سال اول ـ شماره ۶۴ صبح پنجشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ تکشماره یکریال

آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه‌وری

«بهای اشتراک»
سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

جای اداره:
(خیابان خیام جنب کوچه حمام بابات)

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود

انتخابات نیست از تجارت هم بدتر است

از قراری که شنیده‌ایم در گیلان در شیراز در اراک در آذربایجان در اصفهان و در اغلب شهرستان‌ها انتخابات را توقیف کرده‌اند.

برای ما هنوز علت اصلی این اقدام سریع معلوم نیست چیزیکه نظر ما را جلب میکند تغییر وزیر کشور است از قدیم در کشور هرج و مرج‌زده و گویا مرسوم بوده است که هر کس روی یک کار گماشته میشد اوسعی میکند کار سلف خودرا اهم از اینکه خوب و باید باشد خراب بکند واز او مطابق سلیقه خود دست بکار بشود. شاید این کار اساسی هم روی همین رسم ساده روی همین کار بریس (طناری) شخصی وسلیقه خصوصی باشد.

بهر حال از انتخابات این دوره هم چشم ما آب نمیخورد اگر چه مانند بعضی ها از قوم و خویشان خودمان کسانیکه نداریم والحمدالله هوا و هوس شخصی و اسرار دوستان نتوانست ما را از راه در بکند بنابراین موضوع را از روی حقیقت بینی نگریسته گفتیم در کشوری که تشکیلات حزبی منظم و درست و حسابی نیست تا پول نباشد سرمایه نباشد آرزوی نمایندگی یک فکر خام و یک خیال محالی است از اشخاص لایق و کاردان درست کار و متدین هم هر کسی که با ما مشورت کرد گفتیم بیخود نشود تا تراست نکنید شما راه نمیدهند اگر راست میگوئید اگر عقیده و مسلک فکر دارید میخواهید بلندی‌های وزارت کار بودها را خانه بخانه بروید تشکیلات بدهید، مردم با ایمان را دور خود جمع نموده زور پیدا بکنید پول پیدا بکنید دست پیدا بکنید رفیق پیدا بکنید آنوقت دست بالا زده هر کسی را که لایق و سزاوار میدانید برای کار باور بد انتخاب بکنید

این حقیقت بود این صدای وجدان ما بود در جبهه آزادی هم عینا این را تکرار کرده گفتیم آزادی خواهان طرفداران سعادت کشور و مردم ناچارند دور یک تشکیلات اساسی تمرکز پیدا کرده اقلا همان دوازده نفر نماینده تهران را هم که باشد از میان خود کاندید بکنند.

در خارج هم اشخاص را که تصور می کردیم آزادی خواه هستند ملاقات کرده نظر خود را با کمال وضوح و سادگی میان گذاشتیم ولی با کمال تاسف در عمل می‌بینیم که هنوز از این مرحله فرسنگ ها دور هستیم.

دیروز در ساوجبلاغ آقای دهستانی را با حیله و نیرنگ با پول و زور و چماق و چوب انتخاب کردند شاید علیرغم اعتراضات قانونی مردم ساوجبلاغ اعتبارنامه ایشان را هم پذیرفته دو باره بکرسی مجلس بنشانند. البته این بار زبان ایشان دراز نشده هوش چراغ خواهند گفت باید اوربعش کن پرداخته رضا خان را جستجو بکنید.

امروز دو ماه است در ورامین محمودی ها مانند ریگ پول خرج میکنند. در شهر تهران پولداران دیگر مشغول بند و بست و خرید و فروش هستند. ملاکین دارند تهیه میبینند که دهاتیان اطراف و اراضی را بشهر کشیده از آرای آن ها استفاده نمایند الان از حالا در صدد نگاهداری شناسنامه های افراد لوتی بی استفاده باشند. سازمان های خلق الساعه عجیب وغریب روزنامه و شب‌نامه و بیانیه های رسمی وغیر رسمی جلو چشم ماست.

دولت هم نمیتواند بیطرف باشد البته رئیس دولت اعضای دولت هم بشرند بشر بیطرف نمی‌شود زیرا هم هستند اگر اینطور نبودند که نمیتوانستند دولت باشند. آنها هم زیر چلنگی کار میکنند بند و بست دارند دستشان باز است وزارت خواربار، قند و شکر برنج دولت دست آنها است ادارات و مقامات بزرگ و کوچک را آنها در دست دارند ما خیلی مردمان ساده ای بودیم اگر تصور می کردیم که آنها از این وسایل بزرگ در امر انتخابات استفاده نخواهند کرد.

آقای سهیلی هر قدر در کار کشور در اجرای وظایف ملی خود ضعیف و سست و بی اراده باشد در کار های خصوصی بسیار زبردست هستند خوب میتوانند موقع را بدست آورند سیاسی همه را در دست دارند وکلا و بزرگان و سردسته ها را خوب میشناسند و زود هم میتوانند با آنها کنار بیایند.

چند کیسه برنج چند حلقه لاستیک یک توصیه ساده یک تغییر و تبدیل بی سروصدای اداری کافی است که یک قهرمان بزرگ را از سنگر مخالف بیرون کشیده با خود همراه نمایند. نوکری بزرگان ما در حقیقت با پاکان زیادی یافت میشوند آقای سهیلی هم این را خوب تشخیص داده است و از این هم در انتخاب طرفداران خود میتواند حد اکثر استفاده را بکند.

توقیف انجمنهای نظارت را ما ساده نمیتوانیم تلقی بکنیم. این برای خاطر تلگرافات اعتراض آمیز نیست. شنیده ایم آقای رئیس دولت این قبیل تلگرافات را نمیخواند و اگر هم بخواند ترتیب اثر نمیدهد گویا مسئله خیلی باریکتر است در اصفهان احتمال میرفت که کارگران متشکل اکثریت را ببرند در گیلان مخصوصا در بندر پهلوی آزادیخواهان خیلی پیش بودند در جاهای دیگر شاید منظور های دیگر دولت تأمین نشده است شاید همه اینها برای این بوده است که بتوانند فرصت پیدا کرده از هر محل برای کاندید خود زمینه تهیه نمایند

به آخر مجلس چیزی باقی نمانده میان انجمن نظارت مرکز و دولت مکاتبه بجائی نرسیده دولت میخواهد حکومت نظامی را نگهدارد و انجمن نظارت مرکز آنرا خلاف قانون و مراسم انتخابات میداند از قراریکه شنیده‌ایم اغلب اعضای انجمن تصمیم گرفته اند تا آخر پافشاری بکنند احتمال میرود که دولت میخواهد کاری بکند انجمن استعفا بدهد

اینهم خیلی بنظر نمی‌آید همانطوریکه خود آقای سهیلی نمیخواهد بهر قیمتی باشد کابینه را ترک بکند آقایان هیئت نظار هم نمیخواهند از حق خود صرف نظر نمایند. با وجود همه اینها ما معتقدیم که اگر عناصر پاک عناصر سالم عناصر آزادی خواه قدری جدیت بکنند قدری از خودگذشتگی و فداکاری بکار برده دورهم جمع شوند از میان خود ۱۲ نفر مرد سالم درستکار لایق و صحیح العمل پاک و آزادی خواه انتخاب کرده بجامعه معرفی نمایند میتوانند اقلا در طهران کار را از پیش ببرند در جاهای دیگر هم جواب عمال دولت و پولداران و ملاکین و مسلما بن همان اتحاد و یگانگی است. حالا

دیگر وقت آن نیست هر کس بطول آن از رسی خودش کار بکند برای خودش سنگ به سینه بزند امروز آزادی در خطر است کشور در خطر است هستی و موجودیت مردم در خطر است این بار اگر باز اشخاص نالایق اشخاص ناپاک اشخاص مرتجع اشخاص منفعت جو بمجلس بیایند بنام نماینده ملت گرده توده سوار بشوند تقصیر از خود ما است. این بار هم اگر مدعیان میهن پرستی و آزادی خواهی و دموکرات‌منشی اغراض خصوصی خود را زیر پا نگذارند با هم متحد نشوند ما آنها را خائن خواهیم شمرد سایر مرتجعین [illegible] خودرا برای کاغذ آوردیم فردا تماما گناهان کردن آنها خواهد بود که برای هوا و هوس و اغراض کوچک نتوانستند و نخواستند دور هم جمع بشوند به بدینواسطه اجازه دادند پولداران ملاکین و آوارگی که منافع شخصی خودرا بمنافع عمومی ترجیح میدهند روی کار بیایند.

ما خودمان البته دیر کرده ایم غافلگیر شدیم. ارتجاع و دیکتاتوری طوری ما را خرد کرده بود که نمیتوانستیم یکدفعه جلوتر برویم آنهائیکه آزاد بودند وسیله داشتند دست و زبانشان تا اندازه ای باز بود در این دو سال هیچ کاری نکردند هیچ قدمی برای تأمین آزادی برنداشته از دائره حرف و سخن نخواستند قدم فراتر نهند. اینک در مقابل یک امر واقع شده قرار گرفته ایم انتخابات شروع شده مرتجعین نوکرهای رضا خان دارند جلو میافتند انتخاب میشوند دولت هم دارد زمینه یک مجلس مرتجعی را که آلت بی اراده دست فردی باشد تهیه میکند کلاه آزادی خواهان عجیب پس معرکه است

تاریخچه حزب عدالت نگارش ع.ج

احزاب سیاسی و قونسولگری

طوریکه در مقدمه این یادداشتها اشاره کردیم عمال قونسولگری های ایران در خارج هم زورگوئی صفت طلبی و غارتگری را کنار نگذاشته مهاجرین و دهقانان بدبخت ایرانی را که از ظلم ارباب و کدخدا و مأمورین مالیه وطن خود را ترک گفته در خارج با کمال سختی بسر میبردند بحال خود نگذاشته آنها را از دهات، تا کارخانه های دوردست تا مزارع تعقیب نموده با پاپاه های گوناگون لخت میکردند

طوریکه گفتیم با آغاز انقلاب و تأسیس حزب عدالت همشهری شخصیت و نقطه اتکاء پیدا کرده بود لذا اول قدمی که میخواست بردارد کوتاه کردن دست این مأمورین هیچ بود.

قونسولگری بنوبه خود نمیخواست دکانش بسته بشود تجار و سرمایه‌داران هم این آتش را دامن زده میخواستند بواسطه این سنگر که در واقع قابلیت دفاعی را از دست داده بود عملیات مخالفین خود را خنثی بکنند زیرا دکان انقلابی بمناسبت مبارزه طبقاتی و تدابیر اقتصادی دولت محلی منافع تجار در خطر بود وغیر از قونسولگری برای ایشان پشت و پناهی نبود.

در واقع قونسولگری مابین کارگر و تجار گیر کرده بود کارگر حمله میکرد میخواست شر مامورین دزد مرتشی و غارتگر را از سر خود رفع کرده قونسولگری را تحت کنترل خود بیاورد.

تاجر بازور پول و رشوه باهزاران وسایل مادی و معنوی سعی داشت قونسول را زیر رکاب کشیده بواسطه آن از منافع خود مدافعه میکرد.

ماجرائی که می خواهم برای شما بنویسم در اوایل مارس ۱۹۱۸ اتفاق افتاد.

کمیته عدالت نایب قونسول را از محله کارگران ایرانی ها قرارداده بواسطه میرزا اسحاق غفار زاده اداره نایب قونسولگری را بدست گرفته بود قونسول هم ناچار شده بود این امر واقع شده را بپذیرد و غفار زاده را رسما نایب قونسول محله مزبور بشناسد. ولی تجار از ترس اینکه ممکن است خطر بجنرال قونسولگری هم سرایت بکند قونسول را وادار میکردند که از حکومت محلی برعلیه حزب عدالت اقدامات جدی بخواهد.

عدالتچی‌ها این مطلب را احساس کرده تصمیم گرفته بودند جنرال قونسولگری مرکز را هم زیر کنترل خود بیاورند

حکومت موقتی محلی بسیار ضعیف بود احزاب و دسته جات مختلف مخصوصا ملل متنوع که معادن نفت از هر طرف کشیده بآنجا آورده بود هریک برای دفاع از منافع خود سازمانهائی بوجود آورده افراد خودرا مسلح کرده بودند کسی بحرف دولت گوش نمیداد. بالشویکها که تشکیلاتشان از همه قویتر بود کارد به سرخ چندین هزار نفری را در دست داشتند خود را برای قیام مسلحانه حاضر میکردند حزب عدالت هم طوریکه گفتیم مسلح و قوی بود با آنها همکاری مینمود.

از این جهت اقدامات جنرال قونسول فایده نداشت او خودرا مجبور میدید که بهر وسیله باشد با تمایندگان جات و سازمانهای سیاسی بند و بست کرده کاری بکند که نه سیخ بسوزد و نه کباب و ضمنا طوری باشد که راه دخلش بریده نشود و تجار از او رم نکنند از این جهت در اجتماعات ومجالس حاضر شده با سخنرانیهای دو پهلوی خود سر مردم را گرم میکرد

ما میخواستیم این یادداشتها تا اندازه ای بالای شخصیت نباشد ولی چاره نیست اگر اسم نبریم نوشته ما بیروح خواهد بود آنروز جنرال قونسول ایران آقای ساعد مراغه وزیر امور خارجه امروزی بود زبان روسی و ترکی را خوب میدانست و میتوانست بازبان مردم محل حرف زده سخنرانی بکند. شاید تا آنروز بایران هم نیامده بود. با اخلاق و آداب و رسوم ایرانیان آنجا آشنائی کامل داشت از این جهت شخص او زیاد مورد حمله نبود. حتی با عدالت چیها هم میتوانست کنار بیاید و تا اندازه هم بدرد مردم میخورد ولی تجار راحتش نمیگذاشتند افراد عدالت هم تحت تأثیر نهضت انقلابی نمیتوانستند ساکت بنشینند، نماینده دولتی را که خیال میکردند مسبب تمام بدبختی های ایرانیان است بحال خود بگذارند.

احساسات عمومی هر آن شدید تر شده همه را بیرون میریخت بشکل میتینگ و کنفرانس و اجتماع درمیآورد.

یکی از این میتینگها که سر نوشت قونسول گری میبایستی در آن تعین بشود از طرف همین وزیر خارجه امروزی دعوت شده بود

تجار اشخاص متفرقه و می توان گفت تقریبا تمام افراد احزاب سه گانه دموکرات عدالت و استقلال در محل حاضر شده بودند از احزاب سیاسی محلی هم نماینده دعوت شده بود در سالون بزرگ جای با شکوه جمعیت خیریه مسلمانان (اسماعیلیه) باندازه سر سوزن جای خالی نمانده بود.

نگارنده آنروز کاملا بیطرف بودم از روی احساسات عدالت چی ها از روی منطق قونسولگری را ذیحق میدانستم.

با آغاز میتینگ بطور نا گهانی اعضای کمیته مرکزی حزب عدالت وارد شدند عده ای از افراد مسلح حزب و قرات گارد به سرخ ایرانی آنها را مشایعت میکردند لیدرها خودرا به تربیون رسانده نطق‌های مسلح در تریبون را اشغال کردند میتینگ شروع شد.

گفته میشود:

که هر یک از نمایندگان مجلس شورای ملی را ماهی ۱۴ کیلو قند میدهند

اولا میخواستیم بفهمیم آیا در قانون جیره‌بندی این تبعیض پیش‌بینی شده است؛

ثانیا درمیان نمایندگان اشخاصی هستند که این را برخلاف شئون نمایندگی و اخلاق دانسته از گرفتن آن امتناع کرده باشند؛

از رئیس مباشرت مجلس شورای ملی و از رئیس فروشگاه وزارت خواربار جواب میخواهیم؛

نامزدهای
حزب توده ایران

از قراریکه روزنامه رزم ارگان حزب توده ایران اطلاع میدهد؛

طبق آراء حوزه‌ های حزبی و تصویب کمیته مرکزی حزب توده ایران نام نامزدهای تهران برای وکالت دوره چهاردهم بقرار ذیل است .

۱ ـ سلیمان محسن اسکندری
۲ ـ دکتر رضا رادمنش
۳ ـ ایرج اسکندری
۴ ـ دکتر مرتضی یزدی
۵ ـ نورالدین الموتی
۶ ـ رضا روستا

و نظر بائتلاف با شورای مرکزی اتحاد کارگران مقرر شده است که نام دو نفر از کارگران بانتخاب اتحادیه در فهرست نامزد های حزب توده ایران اعلام گردد .

آیا از ریختن خونهای ناحق نمیشود جلوگیری کرد

دیروز صبح ساعت هشت هنگامیکه از چهار راه کافه شهرداری میگذشتم منظره رقت آوری نظرمرا جلب نمود

عده زیادی از مرد و زن دور جسد بیجان مرد جوانی که پیراهن کرباس در تن داشت و کلاه نمدی در کنار افتاده بود گرد آمده آهسته گفتگو میکردند. با پرسش از پاسبان و روزنامه نگاری متفقین معلوم شد اتومبیل شماره ۳۳۰۸ با سرعت آمده دو نفر را زیر گرفته چون توقف نکرده رد شده است یکی از آن ها همان جوان کارگر بوده که در همان جا فورا فوت کرده دیگری را که هنوز نمرده بود بمریضخانه انتقال داده اند.

هر چه سعی کردم پاسبان حاضر شد بگوید که کامیون مال کدام یکی از متفقین بوده است.

ما تصدیق داریم که اداره عبور و مرور شهربانی ما خراب است عده از شوفرها و برخه سوار و اتومبیلها حتی در پیاده روهای خیابان استانبول ولاله زار هم امنیت ندارند

اهالی شهر هم عبور در راه رفتن نظم و ترتیب بلد نیستند ولی از مهمانان خود هم انتظار اینگونه بی نظمی را نداشتیم .

ما منتظر بودیم که رانندگان آنها برای شوفرهای بی تربیت و بداخلاق ما سرمشق باشند .

شاید قتل دو نفر کارگر بی گناه تصادف ساده و معمولی باشد ولی قابل انکار نیست که مخالفین متفقین وماجرا جویان از این قبیل پیش آمدها سوء استفاده میکنند مردم عوام وبی اطلاع این پیش آمد ها را به بیطرفی و دشمنی حمل میکنند و متفقین باید هر چه زودتر جلو این پیشامد ها را بگیرند و برانندگان خود دستور بدهند در شهر از سرعت اتومبیلهای خود بکاهند .

و انگهی هیچ لزومی ندارد که کامیون ها و اتومبیل‌های بزرگ از خیابان های پرجمعیت وسط شهر عبور بکنند ممکن است دستور بدهند خیابان های خارج شهر با این قبیل اتومبیل‌ها اختصاص داده شود .

چه لزومی دارد برای یک کار بیربط یک شرکت بیمه‌ای واسطه مردم بیطرف را از خود بیازارد و این کار برای هیچیک از متفقین فائده ندارد .

و تصور میکنیم هر چه زودتر موضوع رانندگی در شهر تحت انتظام ترتیبی در بیاید و مردم از این حیث از نگرانی خارج بشوند .

کمک بکارمندان دولت

چه جور باید باشد

وزارت دارائی از مجلس پانصد میلیون ریال اعتبار خواسته است که به کارمندان دولت کمک بکند.

ما راجع بطرز اجرای این لایحه با بعضی از کارمندان و کارگرانیکه تصور میکردیم نیاز بیشتر هستند مراجعه کرده نظر آنها را پرسیدیم . نظر اکثریت در این عقیده بودند

۱ ـ کمک حتما باید جنسی باشد .

۲ ـ در تعیین مقدار آن به جای رتبه و درجه تعداد افراد عائله واحتیاجات خانوادگی آن ها درنظر گرفته شود

۳ ـ در صورت مساعدت جنسی مخصوصا باید طرز معیشت وضع زندگی هر یک از طبقات منظور شود

از همه مهمتر خواروبار و پارچه های ارزان قیمت و ذغال هیزم و غیر مایحتاج ضروری بگیرند از پنج سال بالا [illegible] که اساس از شمر و پارچه پشمی برنج و روغن اعلا هم گیرشان بیاید .

تصور میکنیم با تعیین میزان کمک ادارات اشخاص را در انتخاب جنس باید آزاد گذاشت و اجازه داد هر کس مطابق سلیقه خود هرچه میخواهد بگیرد.

در تقسیم و توزیع جنس تجربیات اکثر معتقد هستند که کمیسیون مخصوص از اشخاص پاک در تحت نظر و کنترل مستقیم دکتر میلسپو تشکیل بشود و برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده در مقابل حواله هائی که در ادارات و کارخانه ها تهیه میشود از یک مرکز توزیع و تسلیم گردد .

قابل توجه دادستان دیوان کیفر

اولا بسیار خوشوقتیم که مقاله شماره ۶۳ ما راجع به تبعیض در تقسیم پرتیه‌ای انحصاری انبار دولت مورد توجه واقع گردیده است .

ثانیا از قراریکه شنیده‌ایم اشخاص ذینفع با احساس خطر دست و پا افتاده دارند برای رفع مسئولیت از خود اقدامات میکنند .

بنابراین مقتضی است برای تأمین دلیل هر چه زودتر تدابیر جدی اتخاذ شده بواسطه اشخاص بیغرض و باشهامت دفاتر و پرونده های مربوطه جدا مورد بررسی دقیق قرار بگیرد

در اطراف اعلامیه وزارت کشور

تهران ـ طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس اعلامیه وزارت کشور حاکیست که یک مرکز جاسوسی آلمانی در ایران کشف شده است. این وزارتخانه طی اعلامیه رسمی خود چنین اظهار نموده :

این سازمان مشغول آن بود که نسبت بدولت ایران مقدمات شورش و عملیات خصمانه را فراهم کند و نیز مقصودش این بود که پلها و تونل های راه‌آهن سرتاسری ایران را ویران سازد وجاده ها را قطع کند وخطوط ارتباطی که از آن وسائل غایه معینی حامل اسلحه ومهمات برای اتحاد جماهیر شوروی میگذرد ونیز معابر و وسائل حلیه حامل محصولات مبانی خود ایران را قطع نماید .

یکی ازمقاصد دیگر این سازمان آن بوده که همکاری صمیمانه ایران و متفقین را مختل سازد دولت ایران عده‌ای از مردم ایران را که مظنون به شرکت در این توطئه و همکاری با عمال آلمانی بوده‌اند برای حفظ منافع ومصالح عالیه ایران وایفاء تعهدات وانجام مقررات عهدنامه ایران ومتفقین تحت توقیف درآورده است .

تلگرافها

از سراب

حضرت وزیر ۷ رونوشت کمیته مرکزی حزب توده ایران وزیر کشور نامه رزم آژیر مردم ستاره مهر ایران اعضاء انجمن نظارت تحمیلی سراب که دو نفر آن ها کاندید هم بوده چون یقین حاصل کرده‌اند که درصورت آرامش و آزادی انتخابات به شکست مرتجعین عموما و نامبردگان خصوصا تمام خواهد شد حالا مشغول دسیسه بازی شده می خواهند آرامش این جا را که صددرصد فراهم است دراغتشاش این جا نا امن و شورشی جلوه دهند چون مشارالیه هم در این اواخر دامات این عمل را انکرار و به مقصود خویش نزدیک شده‌اند لذا حزب توده رسما نظر دولت را بموضوع جلب مینماید .

مسئول کمیته سراب هاشم آخور

از ملایر

جناب آقای نخست وزیر رونوشت کمیته مرکزی حزب توده ایران و کیسه وسیله آقای شهرتاج بخش مجلس شورای ملی وزارت دادگستری دیوان کیفر روزنامه آژیر مردم ستاره ایران تلگراف طوای ۱۳ مرداد ملایر متهم بی وضع شهر بانی و آقای دادستان بعنوان جرم قانونی مدت دوازده روز هیچ تکلیف محلی حزب توده ملایر توقیف پس از رسیدگی هیئت بازرسی و تعیین بی تکلیفی معلوم شد موضوع دسیسه بازی اشخاص مغرض و بشت هم انداز بوده که از عمل خود راجع به انتخابات نتیجه بگیرد متاسفانه ول شود را بد بازی نموده و حزب توده دکانی نداشته بدامر تکمیل را آزاد و دادرسی حزب توده بواسطه مدارک عالی امین عملی بلااثر مانده و نتیجه شکایت خود تلگرافیم استدعای بذل توجه و رسیدگی را داریم کمیته محلی حزب توده ملایر فتح‌اله بدالحسن علی محمد تاج بخش محمد هادی بهنام حسن جعفری بای علیمحمد بدالی

در دنیا چه خبر است

در جبهه های شوروی

مسکو - طبق اطلاع خبرگزاری شوروی روز اول سپتامبر ۱۹۴۳ نخستین شماره روزنامه [illegible] در اول انتشار [illegible] شماره [illegible] بامداد [illegible] [illegible] را مجبور نمودند برای اجرای [illegible] [illegible] اول [illegible] کوچه [illegible] [illegible] اظهار [illegible] این شهر [illegible] برای [illegible] آلمان [illegible] کرده فرماندهی نظامی آلمان آنها را [illegible] نتایج [illegible] ها [illegible] بالاخره آنها مجبور شدند [illegible] آلمانها او اول [illegible] هزاران نفر از مردم شوروی برای بندگی و بردگی بالمان اعزام شدند [illegible] کارخانه ها و بیگاری [illegible] مردم شوروی [illegible] وطن برای آنکه از خدمت [illegible] از اعمال فاشیست ها [illegible] خود را [illegible].

آلمانها او را [illegible] آسیب [illegible] و شکنجه [illegible] ملت شوروی [illegible] خود [illegible] آلمانیها [illegible] ستمگر [illegible] روز [illegible] ژوئیه ۱۹۴۳ [illegible] از جوانان ۱۸ تا ۱۱ ساله در میدان اول [illegible] بدار آویخته شدند بگناه که از خدمت برای دشمن محور خودداری کرده بودند.

روز هفتم ژوئیه ۱۹۴۳ روزنامه (رایش) در این مورد اعلامیه ای بشرح زیر انتشار داد:

الکسی مانوبو و (ایوان او جرجین) و (دمیتری کلیوچنکو) برای آنکه امر فرماندهی محلی را اطاعت نکرده و وظیفه روزانه خود را انجام نداده و در حقیقت اقدام بخرابکاری نموده امروز یازدهم (ژوئیه ۱۹۴۳) [illegible] بجرم خرابکاری بدار آویخته شدند [illegible] فرمانده محلی.

پیش از آنکه دسته های فاشیست آلمانی از [illegible] خارج شوند (هامانی) فرمانده نظامی شهر اعلامیه بشرح زیر انتشار داد: اول منطقه نظامی اعلام شده بنا بر این مردمان غیر نظامی شوروی باید این شهر را ترک کنند [illegible] حرکت کند هر که بخواهد در جهتی غیر از منطقه تعیین شده حرکت نماید بدون اخطار از آنها جلوگیری بعمل خواهد آمد.

مردها از سن ۱۵ تا ۵۵ سالگی [illegible] لازم است [illegible] خود را [illegible] اسیران جنگی واقع در کوچه (...) معرفی کنند.

هر شخص غیر نظامی که پس از غروب آفتاب در کوچه ها دیده شود تیر باران خواهد شد [illegible]

[illegible] آلمانها [illegible] ها [illegible] و [illegible] اسیران [illegible] [illegible] هواپیماهای [illegible] شوروی [illegible]

تمام اشخاصی که در دوره اشغال [illegible] شهر [illegible] از طرف نیروهای فاشیست آلمانی [illegible] ساکنین شوروی [illegible] کارهای [illegible] اعمال خود برسند.

خسارات محورها

مسکو - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد اعلامیه مخصوص شوروی مشعر بر آنست که نیروهای شوروی در ظرف دو ماه حمله [illegible] از پنجم ژوئیه تا پنجم سپتامبر در کلیه جبهه ها ۴۹۳۹ هواپیما و [illegible] تانک و ۵۱۹۱ توپ و [illegible] ۸۲ هزار کامیون دشمن را منهدم کرده اند.

تلفات دشمن [illegible] ۴۲۰ هزار افسر و سرباز [illegible] ولی [illegible] از ۵ ژوئیه تا ۵ سپتامبر [illegible] ۲۰۰ هزار تن افسر و [illegible] شده است.

در [illegible] ۱۴۴۰ [illegible] و ۵۸۰ [illegible] و ۵۲۳ [illegible] و ۷۸۵۳ کامیون [illegible] بدست نیروهای [illegible]

بعلاوه [illegible] ۳۸۶۰۰ افسر و سرباز آلمانی اسیر گردیده اند.

دفع حملات آلمانها

مسکو - چنان که خبرگزاری انگلیس گزارش میدهد اعلامیه تکمیلی [illegible] شوروی انتشار یافته که در حوزه [illegible] روسها [illegible] بسوی [illegible] پیشروی [illegible] حملات شدید دشمن را دفع نموده اند.

آلمانها مقدار هنگفتی [illegible] ریخته اند ولی تلفات سنگینی بر آنها وارد آمده است.

در منطقه [illegible] آلمانها مقاومت شدیدی [illegible] ولی [illegible] سنگین [illegible] دیگری رها [illegible].

در [illegible] کشتیهای جنگی شوروی دو [illegible] غرق کرده اند و در دریای سیاه هم چندین [illegible] کشتی دشمن بدست نیروی هوائی شوروی غرق گردیده است.

روزنامه نوبهار

[illegible] اشکالات مطبعه ای [illegible] روز صبح یکشنبه [illegible] شهریور ماه در چهار صفحه منتشر میشود.

از آقایان مشترکین تهران

تقاضا میشود هر کدام چهار شماره اخیر را دریافت نداشته اند (از شماره ۳۲ تا ۳۶) نشانی محل سکونت [illegible] خود را هرچه زودتر به اداره اطلاع دهند.

نوبهار

وزارت جنگ

دانشکده افسری

[illegible] دانشکده افسری [illegible] شرایط [illegible] باشند [illegible] دانشکده افسری [illegible]

۱ - [illegible] دارا بودن گواهی نامه [illegible] دوره [illegible]

۲ - تابعیت ایران

۳ - سن ۱۷ سال تمام و از ۲۴ سال بیشتر نباشد.

۴ - [illegible]

[illegible] دانشکده افسری [illegible]

[illegible] افسری [illegible]

[illegible]

دانشکده افسری ۶۰۳ ش ۱۸۸

آگهی مناقصه

اداره کل برق [illegible]

[illegible] اداره [illegible] ساعت ۱۰ صبح ۱۹/۶/۱۳۲۲ [illegible] ساعت ۱۱ [illegible] خواهد شد.

اداره کل برق

آژیر در لندن

لندن - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیسی در اوایل بامداد [illegible] چند هواپیمای دشمن در [illegible] پس از [illegible] دوره آژیر بپایان رسید.

تکمیل محاصره لائه و سالاموآ

ستاد ارتش متفقین در جنوب باختری اقیانوس کبیر - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس اعلامیه [illegible] ارتش متفقین در جنوب باختری اقیانوس کبیر امروز [illegible] انتشار یافته چنین اشعار میدارد. دسته های نیروی آمریکا که در پشت سر خطوط ژاپن پیاده شده [illegible] محاصره (لائه) و (سالاموآ) واقع در جزیره گینه جدید را تکمیل کرده اند [illegible] چهار لشکر ژاپنی [illegible] بیست و دو هزار تن سرباز باشد تحت محاصره در آمده و خطوطی که از آن خوار بار و مهمات و ادوات جنگی بدست میآورد [illegible] قطع شده است.

نیروی متفقین در ایتالیا

الجزیره - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس رادیوی الجزیره اطلاع میدهد که نیروهای متفقین (پالمی) و (دلیانووا) را اشغال کرده و در [illegible] پیشرفت کرده اند.

احتمال تغییرات در ایتالیا

نیویورک - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس بموجب [illegible] واشنگتن [illegible] و امروز خبرگزاری آمریکا [illegible] منتشر نموده [illegible] را از [illegible] گرفته اند و از قرار معلوم میشود که این دو مرد بزرگ وقوع تحولات بسیار مهمی را که باید از اوضاع حاصل شود [illegible] امروز بر این عقیده اند که [illegible] در اوضاع ایتالیا تغییر مهمی حاصل شود.

حمله بر فرودگاههای بروکسل

لندن - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس اعلامیه انگلیس و آمریکا چنین اشعار میدارد امروز بامداد چند دژ پرنده از هواپیماهای مخصوص بخش هشتم نیروی هوائی آمریکا بر کارخانه هواپیماسازی و فرودگاه بروکسل و هدف های [illegible] (سنت اومر) در فرانسه حمله بردند [illegible] نتایج نیکوئی از این حمله بدست آمد.

چند هواپیمای نوع [illegible] در فرانسه حمله بردند. هواپیما های ما بکارخانه های راه آهن [illegible] و کارخانه های [illegible] و فرودگاه های (...) و (...) را بمباران کردند.

ارتش هفتم امریکا در دریا

زوریخ - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد بقراری که یکی از خبرنگاران [illegible] از مرز ایتالیا و سویس گزارش داده است ارتش هفتم آمریکائی فعلا در دریا بوده و متوجه [illegible] اروپا میباشد.

[illegible] هدف منظور این ارتش شهر ناپل باشد ولی ضمنا احتمال داده میشود بر علیه جزیره ساردنی که اکنون حالت هوشدار در آن جا حکمفرما می باشد عملیاتی آغاز گردد.

برای اعلان بلادفاعی

لندن - چنان که خبرگزاری انگلیس گزارش میدهد رادیوی رم اطلاع داده است که دولت مجارستان برای اعلان بلادفاعی شهر بوداپست تصمیمات لازم اتخاذ کرده و حمل و نقل تجهیزات جنگی آغاز گردیده است.

قتل یکی از رؤسای حزب توده فرانسه

لندن - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد بقراری که خبرگزاری [illegible] گزارش داده است بنابر اخبار واصل از پاریس ژان دالیو یکی از رؤسای حزب توده فرانسوی (ژاک دوریو) در [illegible] هنگامیکه در (اوبان [illegible]) از خانه خود بیرون میآمده بدست یک تروریست کشته شده است.

از خاطرات زندان

نگارش: ج. پ

ابتکار یاور البرز

یاور البرز را بتهام او نشاه بازداشت کرده بودند. او پیش از گرفتاری خود ریاست شهربانی کرمان را عهده دار بوده ولی هم در خوزستان کار کرده بود

زندانی هر که باشد بالاخره یکوجه مشترکی با زندانیان دیگر دارد، وجه مشترک آقای البرز با دیگران صحبت و شوخی و راه گذرانی بود.

یاور شهربانی وقتی آن زرق و برق و یافون را دارد خیلی خودش را میگیرد. ولی هنگامیکه این البسه را از دستش گرفتند ظاهراً خیلی مؤمن میشود و انسان میتواند موقع لزوم با او بطور ساده معاشرت بکند. این یکی بیچاره حاضر بود از مقام یاوری کوچکترین قدمی فراتر نهد ولی چون [illegible] سرشوخی را باز میکرد، جسته جسته سربسرش میگذاشتند خود او هم برای سرگرمی داخل جمعیت شده سعی می کرد حتی المقدور در صحبت و [illegible] و مناقشه زندانیان شرکت نماید.

تا آنروز نگارنده و سایر زندانیان از کارهای شهربانی هیچگونه اطلاعی نداشتیم ولی در زندان بواسطه همین یاور البرز و [illegible] دیگر خیلی چیزها فهمیدیم.

مثلا رئیس شهربانی خوزستان می گفت بما دستور داده بودند هر کز زبان روسی بلد باشد تعقیب کنیم. دیگری میگفت امر شده بود مجامع بهائیان را تحت نظر بگیریم یک مامور دیگر از کارهای شبانه و [illegible] شبانه آگاهی چیزهای [illegible] نقل میکرد.

مثلا میگفت فلان بازجو و رئیس شعبه فلان شبگرد زبردست سابقه دار را در دست دارد اینکه می بینید [illegible] بیهانه دزد بگیری بیرونش می فرستند در حقیقت برای چیز دیگری است اینها خانه های مردم را غارت کرده مستقیما بمنزل بازجو و رئیس شعبه میبرند

من در صحت و سقم این قبیل نقلقولها البته نمیتوانم ضمانت بکنم اگرچه خود سارقین در این موضوع حکایتهای اغراق آمیزی نقل میکردند اگر صد یک گفته آنها صحیح باشد باید گفت که بیشتر از سرقتهای مهم تهران بادست خود عمال شهربانی انجام میگرفته است.

حتی میگفتند پیکره های عریض و طویلی که شهربانی در گذارشهای سالیانه خود راجع بکشف سرقتهای بزرگ میدهد همه از روی نقشه خود مامورین آگاهی انجام میگیرد مخصوصا راجع بسرقتهای چیزهای [illegible] نقل میکردند [illegible] آنها کم کم ما باین عقیده میآمدیم که خود اداره آگاهی تشکیلات سارقین را برای منظورهای مرموز خود بوجود آورده است در حقیقت غیر ممکن بود یک یا چند نفر بازجو یا رئیس شعبه بدون اطلاع دیگران باین واضحی شریک دزد و یار قافله باشند و این کار را مدت طولانی بتوانند ادامه بدهند.

میخواستیم راجع بابتکار یاور البرز صحبت کنیم یکروز راجع ببودجه پلیس مخفی از او سئوال کردم خندید گفت پلیس مخفی بودجه لازم ندارد. گفتم چطور بودجه لازم ندارد؟ پس اعتبارش نامحدود است گفت اعتبار هم ندارد گفتم شوخی را کنار بگذارید راستی بعقیده شما شهربانی چند نفر پلیس سری ممکن است داشته باشد گفت هر چند که دلتان بخواهد تقریبا همه مردم پلیس مخفی هستند گفتم آخر چطور همچو چیزی ممکن است؟ گفت آقا جان مطلب خیلی ساده است بگذار پیمایش پلیسهای بیحد و شمارش رمانی را که ابتکار خودمن هست برای شما بگویم. من در دوره [illegible] مدت حسابداری شهربانی کار میکردم یکروز مرا [illegible] خواسته گفت بودجه پلیس مخفی چی است گفتم قربان بسیار ناچیز است حتی بهزار تومان هم نمیرسد باتعجب گفت تو که رئیس شهربانی خوزستان بودی پلیس مخفی آنجا چه داشت گفتم قربان چند صد تومان بیشتر نبود گفت باین مبلغ جزئی تو چطور کار میکردی لابد از هیچ جا خبر نداشتی گفتم اجازه بدهید عرض کنم من چکار میکردم و با کدام وسیله از تمام جزئیات زندگی مردم خبر داشتم.

ارسال نیرو بهندستان

نیروبی - طبق گزارش خبرگزاری انگلیس بقراری که رسما اعلام شده است یک قطار مهم حامل نیروهای افریقای خاوری به هندوستان و جزیره سیلان فرستاده شده است.

کنت دینوگراندی در طنجه

لیزبن - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس بموجب اطلاعاتیکه از منابع موثق رسیده کنت دینوگراندی که بنام دمینیکو گالی مسافرت میکند روز شنبه و یکشنبه در طنجه بوده است گمان میرود کنت گراندی با [illegible] فرانسه گفتگو کرده باشد ولی چون سانسور در کار است تفصیلاتی بیش از این انتشار نیافته است.

حمله برسامیکن

قاهره - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس ستاد نیروی هوائی خاورمیانه اعلام داشته که هواپیماهای شکاری انگلیس از نوع (بو) برجنوب باختری سامیکن واقع در کرانه های باختری جنوب یونان حمله برده و بخطوط راه آهن آسیب رسانیده و تمامشان بپایگاههای خویش باز گشتند.

تألیف ا. پوشکین

بعد از مرگ مصنف منتشر گشته

ترجمه کریم کشاورز

داستان دوبروسکی

صدا [illegible] شاهزاده [illegible] گردید [illegible] را با [illegible] درب آن طرفی را که [illegible] بود گشوده و گفت

- شما آزادید. بیرون بیائید.

شاهزاده [illegible]

- این چه معنی دارد تو کیستی؟

روچه اش گفت.

این دوبروسکی است

شاهزاده بدون اینکه خود را گم کند طپانچه از جیبش بیرون آورد و تیری بطرف راهزن نقاب پوش خالی کرد.

شاهزاده خانم جیغ زد و با دو دست از وحشت صورتش را پوشاند. شانه دوبروسکی زخمی شده بود خون میریخت. شاهزاده بدون اینکه وقت تلف کند طپانچه دیگری از جیب درآورد. ولی فرصت اینکه تیر را در کند پیدا نکرد.

درهای کالسکه باز شده و چند دست قوی او را از کالسکه بیرون کشید و طپانچه را از دستش خارج کردند. کاردها بالای سرش برق زدند.

دوبروسکی بآواز بلند گفت.

- بکارش نداشته باشید.

همراهانش دست نگهداشتند.

دوبروسکی روی به شاهزاده خانم که بارنگ پریده در کالسکه نشسته بود کرده گفت

- شما آزادید.

مشارالیها جواب داد

- نه [illegible] حالا دیگر دیر است. من عقد شده ام و زن شاهزاده وریسکی هستم.

دوبروسکی بالحن یأس آمیزی گفت

- چه میگوئید؟ خیر! شما زن او نیستید، شما اسیر و مقید بودید و الا موافقت نمیکردید.

مشارالیها جواب داد

- من موافقت کرده و قسم یاد کرده ام. شاهزاده شوهر من است. امر کنید آزادش کنند و مرا باو بگذارید.

من فریب شما را نداشته ام. تا آخرین لحظه منتظرتان بودم. ولی حالا حالا دیگر دیر است. ما را آزاد کنید برویم.

دوبروسکی دیگر سخن اورا نمی شنید. درد زخم و آشفتگی های روحی از قوه محرومش کرده بودند. پهلوی چرخ کالسکه زمین خورد. راهزنان احاطه اش کردند. فقط توانست چند کلمه بایشان بگوید. سوار اسبش کردند. دو نفر نگهش میداشتند و سومی جلوی اسب را گرفت و همه یکجا بطرفی رفتند و کالسکه و مسافرین دست بسته را وسط جاده جا گذاشتند ولی چیزی بسرقت نبرده و حتی قطرهٔ خونی هم در ازای خون رئیس خود نریختند.

فصل نوزدهم

در میان جنگل انبوه محل مسطح و بی درختی بود و استحکامات مختصری با گلی ساخته بودند که عبارت بود از خندق و خاکریز و در پشت آن چند کلبه و خانه گلی دیده میشد. در حیاط این قلعه عدهٔ زیادی که از نوع لباس و اسلحه معلوم بود راهزنند - بروی زمین با سرهای برهنه نشسته و از دیگ بزرگی مشغول خوردن بودند. روی خاکریز، نزدیک توپ کوچکی قراولی نشسته بود و با مهارت تمامی لباس خود را وصله میکرد و هر لحظه به اطراف می نگریست.

گرچه لیوان بزرگ مشروب چندمرتبه دست بدست چرخیده بود ولی خاموشی شگفت انگیزی میان راهزنان حکمفرما بود. پس از صرف ناهار یکی پس از دیگری برخاسته و خدا را شکر کرده و بعضی بدرون کلبه ها رفته و برخی در جنگل پراکنده گشته و با اینکه بعادت روسیان دراز کشیده، و خواب رفتند.

www.iran-archive.com